

واحد فنی:
مدیر فنی: حامد یزدانی، مدیر هنری: مهدی سلامی
صفحه آرایی و طراحی گرافیک: سعید غفوری
ویرایش عکس: کامیاب نویدی، صفحه خوانی و حرفه‌چی: همکاران
واحد فنی تحریریه و باتشکر ویژه از دیگر همکاران موسسه همشهری

چاپ: همشهری
پذیرش آگهی:
۸۴۳۲۱۰۰۰

صندوق پستی:
۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
تلفن: ۲۳۰۲۳۶۶۳

مدیر مسئول: محسن مهدیان
سرمدیر: دانیال معمار
معاون ضمانت: حامد فوقانی
دبیر اجرایی: مجتبی یارزمان
دبیر ویژه نامه: مریم موسی پور

باتشکر از محمد بیاتی

قاب‌های خاطره از جنس دریا

ماجراهایی از زندگی هیجان‌انگیز دریانوردان با موج و مرجان و خارا

شغل دریانوردی اگر چه یک شغل جذاب به حساب می‌آید اما سختی‌های خاص خودش را هم دارد؛ هر چند اگر عاشق دریای دل‌داده و رازهایش باشید، سختی را در ذهن‌تان تبدیل به نوع نگاه دیگری به زندگی می‌کنند. اینجا خاطراتی از چند دریانوردی را آورده‌ایم که بعضی از آنها پس از سال‌ها تلاش و سختکوشی برای ناوگان کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران حالا بازنشسته شده‌اند و با کوله‌باری از خاطرات تلخ و شیرین، روزگار سپری می‌کنند. مرور خاطرات این دریانوردان و دریادلان خالی از لطف نیست.

دریانوردی و تجربه‌های جدید در هر روز

اصولاً فرد مثبت‌اندیشی هستیم. سختی کار روی من تأثیری ندارد. یکی از خاطراتم مربوط به نخستین سفرم با کشتی است. در مسیر برگشت از تایلند بودیم که سیستم سوپر شارژ کشتی دچار مشکل شد، دمای احتراق سیلندرها موتور بالاتر از حد نرمال بود که این باعث می‌شد سوپاپ‌ها از گوز سیلندرها در مدت کمی بسوزد. چندین بار مجبور شدیم وسط دریا بایستیم تا سوپاپ‌ها را تعویض کنیم. تعویض قطعات سنگین موتور خانه در آن شرایط جوی واقعاً کار مشکلی بود. حدود ۲۰ ساعت در دریای توفانی بودیم و کشتی تحت کنترل امواج بود. از این قبیل اتفاقات زیاد در دریای ما می‌دهد. دریانوردی حرفه‌ای است که هر روز تجربه جدیدی را به انسان می‌آموزد حرفه‌ای است که علاوه بر دانش اولیه، تجربه‌های جدیدی را به دنبال دارد. دریا با آنچه در ساحل می‌بینیم و یا در کشتی می‌بینیم خیلی تفاوت دارد.
«به نقل از سرمهندس اسماعیل نواب»

چگونگی ورود به حرفه دریانوردی در دهه ۶۰

سال ۱۳۶۶ در آزمون سراسری علاوه بر رشته‌های دیگر، به‌طور مشخص رشته «مهندسی مکانیک حرارت و سیالات» دانشکده صنعتی شریف بورسیه کشتیرانی هم بود. چون می‌توانستم به‌طور مستقل به تحصیل بپردازم و برای خانواده‌ام بار مالی نداشتم، این رشته را انتخاب کردم و خوشبختانه در این رشته قبول شدم. حدود ۴ سال را در دانشگاه صنعتی شریف تحصیل کردم و سپس دوره‌های تخصصی دریایی را در مؤسسه آموزشی کشتیرانی گذراندم و به مرور همه دوره‌های آموزشی ارتقا برای سمت‌های مهندس سومی، مهندس دومی و سرمهندسی را گذراندم. اگر چه بدون شناخت وارد حرفه دریانوردی شدم ولی هیچ‌وقت از این انتخاب پشیمان نشده‌ام. برای اینکه همیشه در زندگی‌ام سعی کرده‌ام خودم را با شرايطی که هست تطبیق دهم و همه چیز را برای خودم لذتبخش کنم.
«به نقل از سرمهندس علی اکبر نوع دوست»

از کودکی دوست داشتم فرمانده کشتی شوم

به یاد دارم در دوران کودکی که با خانواده‌ام به روی کشتی می‌رفتم، می‌خواستیم بطری نوشیدنی را داخل دریا بیندازم. کاپیتان کشتی به من گفت این کار را نکن. گفتم: دریا به این بزرگی یک بطری که داخل آن، چیزی نیست. کاپیتان به من گفت من می‌خواهم دریا را برای شما نگه دارم. خلوت دریا باعث شد که عاشق تنهایی شوم. گاهی اوقات که هوا هم مساعد باشد به قسمت کشتی می‌روم و لحظات طولانی را در آنجا می‌نشینم و در عظمت دریا غرق می‌شوم و با خودم فکر می‌کنم.
«به نقل از کاپیتان احسان حسین‌نژاد تیمی‌زاده»

صبری؛ لازمه زندگی دریانوردی

اگر چه قبل از ازدواج هیچ شناختی از شغل دریانوردی نداشتم اما از آنجا که خیلی اهل مسافرت هستم و دریا را دوست دارم، تصور می‌کردم که این شغل از جمله مشاغل جالب و جذاب باشد. هیچ‌وقت به سختی این شغل فکر نمی‌کردم. در سال ۱۳۷۲ ازدواج کردم و خرداد ۱۳۷۳ با همسرم سوار کشتی «ایران اسلامی» شدم. در آن زمان همسرم افسر دوم کشتی بود و در واقع تنها افسر ایرانی این کشتی بود. در این سفر بود که با حرفه دریانوردی کاملاً آشنا شدم. ۱۳ ماه به‌طور مداوم در این کشتی بودم. هیچ خانواده‌داری روی این کشتی نبود. من جزو معدود همسران دریانوردی هستم که بیشترین سفر دریایی را داشته‌ام. از سفرهای دریایی‌ام خاطرات بسیاری دارم. به یاد دارم در نخستین سفرم پس از اینکه ملزومات مورد نیاز کشتی خریداری شد، بعد از اینکه مسافتی را طی کردیم دریا بسیار توفانی شد، دکل کشتی شکست و وسط عرشه کشتی افتاد. خیلی ترسیده بودم. همسرم برای اینکه استرس مرا کم کند سعی می‌کرد وانمود کند توفانی بودن دریا طبیعی است و به من می‌گفت: «چون سفر اولت هست دریا برایت عجیب است» ولی وقتی برای تعمیرات به یکی از کشورها رسیدیم فرمانده کشتی به من گفت: «این توفانی‌ترین دریایی بوده که تاکنون تجربه کرده‌است.»
«به نقل از پروانه عزیزخان پور، همسر کاپیتان مهدی احمدیان مزرعه‌یزدی»

رشته دریانوردی، مهم‌ترین گزینه برای ادامه تحصیل

هنگامی که در آزمون سراسری شرکت کردم علاوه بر رشته دریانوردی در دیگر رشته‌ها نیز نمره قبولی کسب کردم. اما از آنجا که دریانوردی اولویت اولم بود و از طرفی این امکان وجود داشت که از طریق این رشته بتوانم بورسیه شوم و ادامه تحصیل دهم به همین خاطر رشته دریانوردی را انتخاب کردم. دوران دانشجویی را در مرکز آموزشی چاپهار گذراندم. پس از فراغت از مرحله آموزشی، دوره‌های افسر اولی و فرماندهی را در مؤسسه آموزشی کشتیرانی در تهران گذراندم. در دوران دانشجویی همراه با ۱۱ نفر از دیگر دانشجویان برای نخستین بار به کشتی ایران کلاهدوز ملحق شدیم. شور و شوق خاصی داشتیم. فرمانده کشتی کاپیتانی بود که به علاقه فراوان، بسیاری از دانش تخصصی خود را در اختیار ما گذاشت. همیشه نخستین تجربه سفر دریایی خود را مدیون ایشان می‌دانم.
«به نقل از کاپیتان علی محمد مریخ»

آن شب تا صبح هیچ کس نخوابید

خاطره بسیار دارم. یکی از خاطراتم مربوط به کشتی «ایران انتخاب» است که لحظه به لحظه آن را هرگز فراموش نمی‌کنم. در آن دوران داوطلبانه به این کشتی ملحق شدم. حدود ۲ ماه در بندرامام بودیم. ورود هواپیماهای دشمن (در دوران جنگ تحمیلی) در آسمان این شهر داستان خاصی دارد. ما روی کشتی بودیم و در آن شرایط پناه گرفتن معنا نداشت؛ چون ما هیچ سلاح دفاعی از خودمان نداشتم. یادم هست ساعت حدود ده و نیم شب در مسیر برگشت بودیم. از تنگه خور موسی عبور کردیم که عراقی‌ها به سمت کشتی موشک شلیک کردند. موشک به اتاقکی که موتورخانه «کرین‌های کشتی» بود، اصابت کرد. همزمان با آن، صدای انفجار مهیبی به گوش رسید و برق کشتی قطع شد. شعله‌های آتش کشتی را فرا گرفت و ارتباط ما با پل فرماندهی کاملاً قطع شد. لوله‌های آب ترکید و فقط با کیسول‌هایی که در کشتی داشتیم آتش را مهار کردیم. بعد از اینکه شعله آتش خاموش شد از همدیگر مطلع شدیم. بنا به درخواست افسر اول کشتی، من نزد فرمانده در پل فرماندهی رفتم چون احتمال حمله دوباره وجود داشت. بعد از مدتی تعدادی از دریانوردان نزد فرمانده آمدند تا لباس ضدحریق بپوشند و به آن قسمت موتورخانه که موشک به آنجا اصابت کرده بود، بروند. من هم بی‌قرار بودم چون مطمئن بودم که در آن لحظه «کامل غیبشویی» یکی از ملوانان عرشه در آنجا بوده است. وقتی به همراه افسر اول وارد موتورخانه شدیم، متوجه شدیم که ایشان به شهادت رسیده است. تمام دریانوردان متأثر شدند و آن شب تا صبح هیچ کس نخوابید.

«به نقل از ذکر علی سبحانی، سرملوان بازنشسته»

مواجهه با دزدان دریایی

در یکی از بنادر پاکستان بودم که متوجه ربه‌شدن کشتی دیانت توسط دزدان دریایی شدم. قرار بود از یکی از بنادر عربستان برای بارگیری گوگرد به سمت مراکش حرکت کنیم. این موضوع ذهن همه دریانوردان را مشغول کرده بود. یکی از دریانوردان نزد من آمد و گفت فرمانده یکی از کشتی‌ها درخواست سیم خاردار داده است، من هم از این ایده استقبال کردم و سفارش خرید آن را در لنگرگاه فجیره دادم. تا قبل از رسیدن به منطقه خطر با تمام کارکنان کشتی، سیم خاردارها را اطراف کشتی بستیم و به وسیله آن تمام راه‌های ورود به کشتی را مسدود کردیم. پس از چند روز که به منطقه خطر و جنوب عدن رسیدیم، بعد از صرف ناهار وقتی به همراه مهندس دوم کشتی به پل فرماندهی رفتیم متوجه دو قایق شدیم که تعداد سرنشینان آن بیشتر از دیگر قایق‌های ماهیگیری بود. وقتی روی رادار آنها را پلات کردم ابتدا آنان حرکتی نداشتند اما ناگهان متوجه شدیم که آن قایق‌ها با سرعت ۱۸ گره به سمت ما حرکت می‌کنند. لحظات سختی را سپری کردیم و در نهایت به‌خاطر تمهیدات ایمنی که در نظر گرفته بودیم دزدان نتوانستند کاری از پیش ببرند.

«به نقل از کاپیتان حمزه حسام»

